

ایران - عثمانی

عهدنامه دوم ارزنة الروم

شانزدهم جمادی الثانی ۱۲۶۳ ق. / سوم ژوئن ۱۸۴۷ م.

درآمد:

انعقاد عهدنامه اول ارزنة الروم ۱۲۳۸ ق. / ۱۸۲۳ م. به علت ضرورت اشتغال حواس دولت ایران در طرف مغرب، به خاطر روگرداندن از جانب شرق (هرات)، توانست صلح و صفا را در سرحدات دولتین ایران و عثمانی پایدار نگهدارد. با مطالعه آثار و نوشته‌های سیاست‌گران انگلیسی به درستی معلوم می‌شود که در تمامی تجاوزات سرحدی عثمانی‌ها به خاک ایران، دست مودیانه سیاست‌گران انگلیسی نهفته است.^۱

ریشه اصلی علت و ضرورت انعقاد دومین عهدنامه ارزنة الروم، به طوری که از روابط ایران و عثمانی مستتر در متون تاریخی بر می‌آید نتیجه کج رفتاری و قتل و غارت حکام سرحدی دولت عثمانی بر علیه ایرانیان و خیال اقدام متقابل بمثل دولت ایران می‌باشد.

غارت اموال تجار ایرانی در خاک عثمانی (۱۲۵۰ ق.)، چپاول قطور و خوی توسط ایلات کرد عثمانی (۱۲۵۱ ق.)، قتل و غارت اهالی محمره (خرمشهر) توسط علیرضا پاشا (۱۲۵۳ ق.)، عزل محمود پاشا والی سلیمانیه توسط دولت عثمانی و ترتیب اثر ندادن به سفارش دولت ایران مبنی بر عودت محمود پاشا به مقام اولی‌اش (۱۲۵۷ ق.) نمونه‌های بارز است از خصومت و عداوت حکام دولت عثمانی به رعایای ایرانی.

شدت اختلاف بین دولتین که منجر به انعقاد این عهدنامه شد، با قتل عام فجیع مردم کر بلا توسط نجیب پاشا والی بغداد به اوج خود رسید. نجیب پاشا والی بغداد به این بهانه که کر بلا و مشاهد مقدسه شیعه در بین‌النهرین از امر او اطاعت ندارند و هر کسی که می‌خواهد از حکم او سرپیچی کند به آنجا پناه می‌برد، لشگر به کر بلا فرستاد و به قتل عام آن جا پرداخت و با کمال بی

۱. درین مورد رک: معتمد ۲۹.

۲. آن موقع سلیمانیه هنوز از ایران جدا نشده بود و ایران و عثمانی هر دو مدعی حقوقی در آنجا بودند.

رحمی قریب نه هزار از مردم بی گناه آن جا را که تمام شیعه و رعایای ایران بودند کشت. ۲. سیج سپاه ایران به دستور محمد شاه جهت انتقام این حرکت ناهنجار، نمایندگان روس و انگلیس در ایران را مجبور به میانجیگری و وساطت جهت حل اختلافات فیما بین و انعقاد عهدنامه‌ای در شهر ارزنة الروم کرد. بیماری میرزا سید جعفرخان مشیرالدوله در تبریز که مأمور نمایندگی ایران در کنفرانس ارزنة الروم بود، سبب شد میرزاتقی خان که آن وقت سرتیب و وزیر نظام بود به این مقام انتخاب و به ارزنة الروم روانه گردد. ۳.

کنفرانس ارزنة الروم با شرکت میرزا تقی خان از دولت ایران، انوربیک افندی از دولت عثمانی، کلنل ویلیامز از دولت انگلیس و کلنل دنس، در هیجده جلسه و بیش از سه سال طول کشید.

میرزا تقی خان سعی داشت اختلافات موجود فیما بین ایران و عثمانی را طوری حل و فصل کند که بعداً دوباره باعث کدورت و اختلاف نگردد، ولی ارزنة الروم آن روزها میدان سیاست بود و میرزا تقی خان در این کانون سیاست با تحریکات و مشکلات و دسایس گوناگونی مواجه می شد و همین علل باعث رکود کار کنفرانس می گردید. ۴.

در موضوع تعیین سرحد دولتین ایران عثمانی که مهم ترین مسایل مورد بحث انجمن ارزنة الروم بود، مسأله محمره بیش از دیگر مسایل توجه نمایندگان چهار دولت را به خود معطوف داشته و منافع و نظریات مختلفی در موضوع محمره با هم تماس پیدا می کرد و حتی حل آن به لندن و پترزبورگ ارجاع گردید. ۵.

بالاخره بعد از مذاکرات طولانی، میرزا تقی خان، دومین معاهده ارزنة الروم را که متضمن نه فقره بود در شانزدهم جمادی الثانی ۱۲۶۳ ق. امضاء کرده به دربار دولت ایران می فرستد. به قول دکتر آدمیت، میرزا تقی خان واقعاً نسبت به انجام مأموریتی که در ارزنة الروم داشت به خود می بالید

۳. آدمیت ۳۹، نیز رک: ناسخ التواریخ ۲ قاجار / ۴۳۱.

۴. به نظر نادر میرزا مؤلف «تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز» و جهانگیر میرزا مؤلف «تاریخ نو» قدرت امیرکبیر در آذربایجان باعث حسادت حاجی میرزا آقاسی شده بود، لذا حاجی مترصد فرصت بود که امیر را به اصطلاح بیندازد و اعزام وی به عنوان مأمور نمایندگی به ارزنة الروم به خاطر این بود.

5. C. Williams.

6. C. Dainese.

۷. یکی از این تحریکات و دسایس مربوط می شود به بلوا و فتنه عجیبی که در ارزنة الروم برضد میرزا تقی خان در اواخر سال ۱۲۶۲ بود. قدر مسلم این است که این فتنه و شورش از روی نقشه‌ای که قبلاً طرح شده بود برپا گردید. کلنل ویلیامز در گزارش محرمانه‌ای که به عنوان کلنل شیل، سفیر دولت انگلیس در تهران فرستاده جریان این فتنه را به خوبی ذکر کرده رک: شماره ۲۹ سال ۲۵ مجله خواندنیها، نیز رک: ناسخ التواریخ، ۲ قاجار، ۴۳۲ به بعد و نیز میرزا تقی خان گزارش حمله اوباشان و کشته شدن دو نفر از همراهان خویش را در نامه‌ای به نمایندگان روس و انگلیس در تاریخ ۲۶ رجب ۱۲۶۲ داده بود رک: یکصد سند تاریخی، سند شماره ۲۱.

۸. آدمیت ۴۱.

و آن را انتخاب بزرگی در تاریخ خدمات سیاسی خود می‌دانست، چنان که وقتی که رضا قلی‌خان هدایت رامامور خیوه می‌کند به وی می‌گوید:
«البته شنیده‌ای سفارت مرا در ارزنة الروم. گفتم، آری. گفت، نیکو برو، دانا بازگرد...» ۱۰۰۰

۹. روضة الصفا، ج ۱۰.

سواد قرارنامه‌ایست که فی‌مابین دولتین علیتین ایران و عثمانی استقرار یافته است.

فهرست مندرجات

مقدمه -

فقرة اول - ترک مطالبات نقدیه طرفین.

فقرة دویم - واگذاری بعضی نقاط و اراضی به یکدیگر و تعهدات راجعه به سلیمانیه و محمره و غیره.

فقرة سیم - ترک بعضی ادعاهای سابقه و تعیین مأمور برای تحدید حدود.

فقرة چهارم - در باب قطع و فصل بعضی خسارات و رسومات معوقه.

فقرة پنجم - شرایط راجعه به شاهزادگان فراری.

فقرة ششم - در باب حقوق گمرکی.

فقرة هفتم - شرایط راجعه به زوار و اتباع ایران در ممالک عثمانی، قونسول‌های دولتین و محل اقامت و امتیازات مشارالیه.

فقرة هشتم - تعهدات دولتین در باب عشایر سرحدی و دفع و رفع غارت و سرقت آنها.

فقرة نهم - تأیید عهدنامجات سابقه، تصدیق عهدنامه.

غرض از تحریر و نگارش و ترقیم این کلمات خجسته دلالات آن که از مدتی به این طرف چون فیما بین سلطنت جاوید آیت سنیه و دولت دوران مدت علیه ابدی الدوام با دولت علیه عثمانی بعضی عوارض و مشکلات حدوث و وقوع یافته بود، بر مقتضای التیام اساس دوستی و الفت و ضوابط سلم و صفوف و جهت جامعه اسلامی که میان دولتین علیتین در کار و افکار سلمیه که طرفین علیتین بدان متصف می‌باشند بالتسویه اینگونه مواد نزاعیه را بر وجه موافق و مناسب فحامت شأن دولتین علیتین به تجدید تأکید بنیان صلح و مسالمت و تشدید ارکان موالات و مودت از جانب دولتین علیتین اظهار رغبت و موافقت شده، برای تنظیم و مذاکره و مواد عارضه و تحریر و تسطیر اسناد مقتضیه بر حسب فرمان همایون اعلیحضرت قدر قدرت کیوان حشمت، مملکت مدار ملک‌گیر، آرایش تاج و سریر، جمال الاسلام و المسلمین، جلال الدنیا والدین، غیاث الحق و الیقین، قهرمان الماء و الطین، ظل الله الممدود فی الارضین، حافظ حوزه مسلمانی، داور جمشید جاه داراب دستگاه، انجم سپاه اسلام پناه، زینت بخش تخت کیان، افتخار ملوک جهان، خدیو دریا دل کامران، شاهنشاه ممالک ایران، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان محمد شاه قاجار [۱] - ادام الله تعالی ایام سلطنته فی فلک الاجلال و زین فلک قدرته بمصاییح - کواکب الاقبال، بنده درگاه آسمان جاه میرزا تقی خان [۲] وزیر عساکر منصوره نظام و غیر نظام که حامل نشان شیر و خورشید مرتبه اول سرتیپی و حمایل افتخار خاص سبز است به وکالت مخصوص و مباهی گشته و نیز از طرف اعلیحضرت کیوان منزلت، شمس فلک تاجداری، بدر افق شهر یاری، پادشاه اسلام پناه، سلطان البرین و خاقان البحرین، خادم الحرمین الشریفین، ذوالشوکه و الشهامه، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان

سلطان عبدالمجید خان، جناب مجدت مآب، عزت نصاب انوری زاده السید محمد انوری سعد الله افندی که از اعظام رجال دولت علیه عثمانیه و حائز صنف اول از رتبه اولی و حامل نشان مخصوص به آن رتبه است مرخص و تعیین شده بر وجه اصول عادیه بعد از نشان دادن و ملاحظه و مبادله وکالت نامه‌های مبارکه انعقاد معاهده میمونه در ضمن نه فقره آتیه قرار داده شده که در این کتاب مستطاب بیان و در مجلس منعقد در ارزنة الروم مبادله می‌شود:

فقره اول - دولتین علیتین اسلام قرار می‌دهند که مطالبات نقدیه طرفین را که تا به حال از یکدیگر ادعا می‌کردند کلاً ترک کنند ولیکن با این قرار به مقاولات تسویه مطالبات مخصوصه مندرجه در فقره چهارم خللی نیاید.

فقره دویم - دولت ایران تعهد می‌کند که جمیع اراضی بسیط ولایت زهاب یعنی اراضی جانب غربی آن را به دولت عثمانی ترک کند و دولت عثمانی نیز تعهد می‌کند که جانب شرقی ولایت زهاب یعنی اراضی جبالیه آنرا مع دره کرمند به دولت ایران ترک کند و دولت ایران قویاً تعهد می‌کند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هرگونه ادعا صرف نظر کرده، به حق تملکی که دولت عثمانیه در ولایت مذکور دارد وقتاً من الاوقات یک طور دخل و تعرض ننماید و دولت عثمانی نیز قویاً تعهد می‌کند که شهر و بندر محمره و جزیره الخضر (۳) و لنگرگاهها و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است به ملکیت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه بر این حق خواهند داشت که کشتی‌های ایران به آزادی تمام از محلی که به بحر منصب [۴] می‌شود تا موضوع الحاق حدود طرفین در نهر مذکور آمد و رفت نمایند.

فقره سیّم - طرفین معاهدتین تعهد می‌کنند که با این معاهده حاضره سایر ادعایشان را در حق اراضی ترک کرده، از دو جانب بلا تأخیر مهندسین و مأمورین را تعیین نموده تا اینکه مطابق ماده سابقه حدود مابین دولتین را قطع نمایند [۵].

فقره چهارم - طرفین قرار داده‌اند که خساراتی که بعد از قبول اختیارات

دوستانه دو دولت بزرگ واسطه که در شهر جمادی‌الاولی سنه یک هزار و دو بیست و شصت و یک تبلیغ و تحریر شده به طرفین واقع شده و هم رسومات مراعی از سالی که تأخیر افتاده برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت فصل و احقاق بشود از دو جانب بلا تأخیر مأمورینی را تعیین نمایند.

فقرة پنجم - دولت عثمانی وعده می‌کند که شاهزادگان فراری ایران را در بروسا اقامت داده، غیبت آنها را از محلّ مذکوره و مرادۀ مخفیۀ آنها را با ایران رخصت ندهد و از طرف دولّین علیتین تعهد می‌شود که سایر فراری‌ها به موجب معاهدۀ سابقۀ ارزنة الروم عموماً رد بشوند.

فقرة ششم - تجّار ایران رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیه و جاریۀ اموال مذکوره نقداً یا جنساً به وجهی که در عهدنامه منعقدۀ ارزنة الروم در سنه یک هزار و دو بیست و سی و هشت در مادۀ ششم که دایر به تجارت است مسطور شده ادا کنند و از مبلغی که در عهدنامه مذکوره تعیین شده زیاده وجهی مطالبه نشود.

فقرة هفتم - دولت عثمانی وعده می‌کند که به موجب عهدنامه‌های سابقه امتیازاتی که لازم باشد در حق زوار ایرانی اجرائی دارد تا از هر نوع تعدّیات بری بوده بتوانند به کمال امنیّت محلّهای مبارکه‌ای که در ممالک دولت عثمانی است زیارت کنند و همچنین تعهد می‌کنند که مواد استحکام و تاکید روابط دوستی و اتّحاد که لازم است فیما بین دو دولت اسلام و تبعۀ طرفین برقرار باشد مناسب‌ترین وسایل را استحصال نمایند تا چنانکه زوار ایرانیّه در ممالک دولت عثمانیّه به جمیع امتیازات نایل می‌باشند، سایر تبعۀ ایرانیّه نیز از امتیازات مذکوره بهره‌ور بوده خواه در تجارت و خواه در موادّ سایر از هر نوع ظلم و تعدّی و بی‌حرمتی محفوظ باشند و علاوه بر این بالیوزهایی که از طرف ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجّار ایرانیّه به جمیع محل‌های ممالک عثمانیّه که لازم باشد نصب و تعیین شود، بغیر از مکه مکرمه و مدینه منوره دولت عثمانیّه قبول می‌نماید و وعده می‌کند که کافۀ امتیازاتی که شایستۀ منصب و مأموریت بالیوزهای مذکوره باشد و در حقّ قونسولهای سایر دول متحابه جاری می‌شود در حقّ آنها نیز جاری شود، و نیز دولت ایران تعهد می‌کند که بالیوزهایی که از طرف دولت

عثمانیه به جمیع محلّهای ممالک ایرانیّه که لازم باشد و بیاید نصب و تعیین شود در حقّ آنها و در حقّ تبعه و تجّار دولت عثمانیه که در ممالک ایران آمد و شد می‌کنند معامله متقابل را کاملاً اجری دارند.

فقرة هشتم - دولتین علیّین اسلام تعهد می‌کنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت عشایر و قبایلی که در سرحدّ می‌باشند تدابیر لازمه اتخاذ و اجری کنند و به همین خصوص در محل‌های مناسب عسکر اقامت خواهند داد. دولتین تعهد می‌کنند که از عهده هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب و غارت و قتل که در اراضی یکدیگر وقوع بیاید برآیند و نیز دولتین قرار داده‌اند عشایری که متنازع فیہ می‌باشند و صاحب آنها معلوم نیست بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلّی که بعد از این دائماً اقامت خواهند کرد یکدفعه به اراده خودشان حواله بشود و عشایری که تبعیت آنها معلوم است جبراً به اراضی دولت متبوعه آنها داخل شوند.

فقرة نهم - جمیع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصاً معاهده [ای] که در سنه یک هزار و دویست و سی و هشت در ارزنة الروم منعقد شده که بخصوصه با این معاهده حاضره الغا و تغییر داده نشده، مثل اینکه کلمه بکلمه در این صحیفه مندرج شده باشد، کافه احکام و قوت آن ابقا شده و فیما بین دو دولت علیه قرار داده شده است که بعد از مبادله این معاهده در ظرف دو ماه یا کمتر مدّتی از جانب دولتین قبول و امضا شده تصدیق نامه‌های آن مبادله خواهد شد. و کان ذالک التحریر فی یوم السادس عشر من شهر جمادی الثانی سنه یک هزار و دویست و شصت و سه هجری در دارالخلافة طهران صورت انطباع پذیرفت. [۶].

توضیحات عهدنامه دّوم ارزنة الروم

(۱) محمد شاه قاجار (۱۲۲۲ - ۱۲۶۴ ق.): پسر بزرگ و ارشد عباس میرزا، در سال ۱۲۳۹ به حکومت همدان منصوب شد. در اوایل سال ۱۲۴۹ ق. از طرف پدرش با پانزده هزار نفر لشکر

برای گرفتن هرات عزیمت نمود، ولی چون رفتن او و محاصره هرات مصادف شد با درگذشت عباس میرزا در بصره، از این جهت با کامران میرزا والی هرات قراری گذاشته به مشهد مراجعت نمود و در همین سال پس از درگذشت عباس میرزا به تقویت روسها به سمت ولایت مهدی و حکومت خراسان و آذربایجان منصوب و روانه تبریز گردید.^۱

پس از فوت فتحعلی شاه، بنابه فصل هفتم معاهده ترکمانچای، و با توافق دولتین روس و انگلیس^۲ محمد میرزا همراه میرزا ابوالقاسم قائم مقام از تبریز سوی تهران حرکت کرده به عنوان شاه تاجگذاری کرد.

۲) جهت کسب اطلاع مفصل تر و جامع تر، مطالعه منابع زیر توصیه می گردد:

یک - امیرکبیر، تألیف مرحوم عباس اقبال آشتیانی.

دو - امیرکبیر، تألیف حسین مکی.

سه - امیرکبیر و ایران، تألیف فریدون آدمیت.

چهار - امیرکبیر قهرمان ضد استعماری، تألیف اکبر هاشمی رفسنجانی.

پنج - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرون ۱۹، تألیف مرحوم محمود - محمود.

شش - دوره مجلات یادگار، ارمغان، یغما، و دانش.

هفت - تاریخ قاجار، تألیف واتسون، ص ۲۴۶ به بعد.

۳) جزیره الخضز: در جنوب محمره [خزمشهر] و از اراضی طرف چپ شط العرب و محل سکونت عشیره کعب است. از سمت شمال و مشرق به دو شاخه رود کارون که هر دو به بهمنشیر معروف است، از طرف جنوب به خلیج فارس و از طرف مغرب به شط العرب محدود است. طول آن از محمره تا خلیج فارس دوازده فرسخ و عرض آن از شط العرب تا بهمنشیر شرقی از یک فرسخ تا سه چهار فرسخ است. بیشتر اراضی جزیره الخضز نخلستان و محل شلتوک کاری است و قسمت شوره زار و بایر نیز دارد.^۳

۴) مُنْضَب: یعنی ریخته شده مانند آب.^۴

۵) فوت محمدشاه و گرفتاری های اولیه ناصرالدین شاه، فرصت مناسبی به دولت عثمانی داد که مفاد فصل سوم عهدنامه مزبور را نادیده گرفته سپاهی به فرماندهی درویش پاشا به نواحی مرزی ایران فرستد. سپاهیان مزبور قطور را تصرف و علایم سرحدی را هر طور که دلخواهشان بود تغییر دادند و این ناحیه را جزو قلمرو دولت عثمانی اعلام نمودند. در مقابل اعتراض دولت ایران، سفرای انگلیس و روس دوباره دخالت کرده تقاضای تشکیل کمیسیون چهار جانبه را دادند. اما امیرکبیر شرط شرکت نماینده ایران را در کمیسیون مزبور تخلیه قطور از قشون عثمانی قرار داد... بالاخره کمیسیون

۱. شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۲۵۷.

۲. مجلد ۲۸ اسناد مربوط به ایران، گزارش گوینو به وزارتخانه فرانسه.

۳. تحقیقات سرحدیه، به نقل آدمیت.

۴. ناظم الاطباء.

چهار جانبه در سال ۱۸۵۰ م. به اصرار انگلستان سرانجام تشکیل شد، ولی به علت این که عثمانی به هیچ قیمتی حاضر به پس دادن ناحیه قطور نبود پس از چندی تعطیل گردید.^۵

...ضمناً به موجب ماده ۶۰ پیمان برلن^۶ مقرر گردید ناحیه قطور را که عثمانی‌ها در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بدون هیچ‌گونه دلیلی متصرف شده بودند به ایران مسترد نمایند. بالاخره در نوامبر ۱۸۷۹ م. (۱۲۶۹ ق.) دولت ایران قوایی به فرماندهی محمّد صادق خان امین نظام به آن ناحیه فرستاد و نوزده قریه ناحیه قطور را که در حدود سی سال در تصرف عثمانیها بود اشغال کرد.^۷

۶) بطوریکه از مفاد فصل نهم برمی آید، می‌بایست که تصدیق نامه‌ها حداکثر بعد از دو ماه از تاریخ امضاء مبادله می‌شد، ولی به علت پاره‌ای نکات مبهم و گنگ در بعضی از مواد آن که ظاهراً نمایندگان عثمانی به عمد آنها را در متن معاهده داخل کرده و به همان علت هم قبل از مبادله تصدیق نامه‌ها، از پیش خود چهار فقره سؤال ترتیب داده و از سفرای دول روس و انگلیس جوابهایی به نفع خود حاصل نموده بودند و ادعا داشتند که آن توضیحات و تغییرات هم ضمیمه معاهده باشد، کار مبادله تصدیق نامه‌ها به تعویق افتاد تا آن که میرزا محمد علی خان شیرازی، سفیر ایران در پاریس ندانسته یا به زور بدون اجازه دولت ایران به صحت آن توضیحات مزبور که همه به نفع دولت عثمانی و قبول آن باعث زحمت کلی ایران در آینده بود امضاء داد و تصدیق نامه‌ها به این ترتیب در اوایل سال ۱۲۶۴ قمری، اندکی قبل از فوت محمد شاه، در استانبول مبادله گردید و قرار شد که طبق فقره سوم عهدنامه مهندسین و مأمورین دولتی جهت تعیین خطوط سرحدی اقدام کنند.^۸

۵. تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۲۶۵.

۶. پیمان برلن که در ۱۳ ژوئن ۱۸۷۹ بین روس و دول دیگر کنفرانس پاریس (۱۸۵۶) تشکیل شده بود هدف اصلی اش خنثی کردن مفاد عهدنامه سن استانو (۳ مارس ۱۸۷۸) بین دولتی روس و عثمانی بود.

۷. مأخذ قبلی، ص ۲۹۹.

۸. درین مورد رک: یکصد و پنجاه سند تاریخی، سند شماره ۱۷۳ نیز رک: رساله تحقیقات سرحدی، مجله بررسی‌های تاریخی، سال دوم، شماره یک.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/treaties/>